

نقش واسطه‌های فرهنگی در حفظ و انتقال میراث مکتوب شیعه

مجید خاموشی*

چکیده: مقاله حاضر در صدد بیان نقش واسطه‌های فرهنگی در حفظ و نشر میراث شیعه در فاصله زمانی پیش از تدوین کتب اربعه است. واسطه‌های فرهنگی یعنی کسانی که با انجام سفرهای علمی، میراث و معالم شیعی را به نقاط مختلف برده و نشر دادند و یا با استفاده از میراث شهرهای حدیثی به نشر آن در مناطق خود پرداختند. اگر سفرهای علمی برخی از بزرگان راویان احادیث اهل بیت (علیهم السلام) نبود، امروز بخش زیادی از تراث مکتوب شیعه از بین رفته بود. در اکثر روایات کتب اربعه نام این واسطه‌های فرهنگی در سلسله سند به چشم می‌خورد که اهمیت این سفرها را می‌رساند. برخی از کتابهای اصحاب ائمه و روایات آنان فقط از طریق همین سفرها به ما رسیده است. با شناخت این سفرها سرگذشت تراث اصحاب به خوبی روشن می‌شود.

کلید واژه‌ها: واسطه‌های فرهنگی / میراث شیعه / تاریخ حدیث / مدارس حدیثی / حدیث اهل سنت / تراث حدیثی شیعی - حفظ و نشر.

*. دانش پژوه سطح ۴ مؤسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی.

۱. مقدمه

۱-۱. واسطه های فرهنگی

معنای واسطه

الف) معنای لغوی: واسط در لغت به معنای کسی است که در وسط واقع می شود، میانجی، و واسطه است. (معین، ص ۱۰۶۶) مولوی در همین معنا است که می گوید: بهر این دنیا است مرسل رابطه مومنان را زانکه او هست واسطه^۱

ب) معنای اصطلاحی: در اصطلاح این گفتار، به کسانی گفته می شود که نقش واسطه در میراث حدیثی شیعه داشته و میراث را انتقال داده اند.

معنای فرهنگ

فرهنگ در زبان فارسی، به معنای ادب، تربیت علم و دانش، و مجموعه آداب و رسوم آمده است. (معین، ص ۸۳۵۲)

فرهنگ در لغت عرب با کلمه «الثقافة» بیان می شود که به معنای «پیروزی، تیز هوشی و مهارت بوده، سپس به معنای استعداد فراگیری علوم و صنایع و ادبیات به کار رفته است»^۲.

منظور از واسطه های فرهنگی

در تاریخ حدیث شیعه کسانی بوده اند که با انجام مسافرت های مختلف (رحلات) شروع به جمع آوری احادیث و کتب حدیثی کرده اند، از طرفی احادیث و میراث قبل از خود را نیز در این رحلات حدیثی منتقل می کردند، این افراد با تحمّل رنج سفرهای طولانی در راه حفظ و نشر میراث اهل بیت علیهم السلام کوششهای فراوانی داشتند و باعث انتشار معالم مذهب تشیع شده اند. چون تلاش آنان، یک تلاش فرهنگی در

۱. مولوی، دفتر چهارم، ص ۶۸۵.

۲. فرید وجدی، دایرة المعارف، ذیل ماده ثَقَف به نقل از: جعفری، محمد علی، فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۵۱.

راستای انتقال میراث و نشر آن بوده است، از آنان به عنوان واسطه‌های فرهنگی یاد می‌کنیم.

۲-۱- میراث مکتوب شیعه

الف) منظور از میراث

میراث یعنی ارثیه و آنچه شخص برای بازماندگانش باقی می‌گذارد. (طریحی، ج ۲، ص ۲۶۷؛ مهیار، متن، ص ۴۱) و در اصطلاح این تحقیق، کالاهای گران‌سنگ فرهنگی شیعه است که در طول زمان توسط اصحاب ائمه علیهم‌السلام جمع‌آوری و در رساله‌ها و کتابها گرد آمده است.

ب) منظور از مکتوب

"مکتوب" اسم مفعول از ماده "کتب" که اصطلاحاً به نامه نیز گفته می‌شود. (مهیار، ص ۸۵۴) در این گفتار به معنای نوشته‌های حدیثی (اعم از رساله یا کتاب) است.

منظور از میراث مکتوب

میراث مکتوب از ترکیب دو کلمه "میراث" و "مکتوب" تشکیل شده است که معنای مفردات آن گذشت، معنای ترکیبی این دو کلمه به معنای ثروتهای معنوی و مکتوب شیعه در زمینه حدیث است که به علت ذی قیمت بودنش، از آنها به میراث تعبیر شده است.

۲. نقش واسطه‌های ایرانی در حفظ و نشر میراث شیعه

منظور از واسطه‌های ایرانی کسانی‌اند که مشهور به ایرانی بودن هستند و یا در کتابهای رجال و تراجم به ایرانی بودن آنان تصریح شده است. البته واضح است که به صرف نسبت دادن یک شهر یا یک کشور به شخصی نمی‌توان او را جزء آن سرزمین به حساب آورد، به عنوان نمونه حسین بن سعید اهوازی که پسوند اهوازی

او و برادرش حسن بن سعید در رجال نجاشی و دیگر کتابهای رجال و فهرستی آمده، ولی همانطور که در زندگی نامه آن دو وارد شده است، هر دو غیر ایرانی و کوفی هستند. (طوسی، الفهرست، ص ۱۴۹) بنابراین آنان کسانی هستند که میراث شیعه را به ایران آورده‌اند یا از ایران به دیگر مناطق انتقال داده‌اند.

از جمله این افراد که نقش مهمی در تدوین کتابهای حدیثی داشته‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۲- محمد بن خالد برقی

نجاشی او را در حدیث ضعیف می‌داند، (نجاشی، ص ۳۳۵) البته ضعف در حدیث یا ضعف مقید، به معنای عدم توثیق نیست. شاید ریشه‌های ضعف در حدیث او را بتوان در کتاب ابن غضائری پیدا کرد آنجا که می‌گوید: «محمد بن خالد از ضعفاء نقل می‌کند و به مراسیل اعتماد می‌کند.» (ابن غضائری، ص ۹۳) با نگاهی به مشایخ محمد بن خالد تا حدی نقل وی از ضعفاء مشخص است، بیشترین نقل وی از وهب بن وهب است که در کتابهای رجال (نجاشی، ص ۴۳۰) از او به عنوان کذاب نام برده شده است.

محمد بن خالد میراث متعددی را از عراق به ایران منتقل کرده است که به اهم آن اشاره می‌کنیم:

۱. میراث وهب بن وهب: این میراث در کتاب کافی بارها دیده می‌شود. محمد بن خالد حافظ میراث ابوالبختری در کتب اربعه حدیثی است، تقریباً غالب میراث وهب بن وهب توسط وی به دست ما رسیده است. (برای نمونه نک: کلینی، ج ۱، ص ۳۲)

۲. میراث نضر بن سوید صیرفی: بعد از حسین بن سعید که معظم میراث نضر بن سوید را با خود به قم منتقل کرد، مقدار قابل توجهی از این میراث توسط محمد بن خالد به قم منتقل شده است. (همان، ج ۱، ص ۶۹)

۳. میراث عبدالله بن مغیره. (همان، ج ۱، ص ۴۱)
 ۴. میراث محمد بن سنان. (طوسی، تهذیب، ج ۶، ص ۳۵۳)
 ۵. میراث قاسم بن عروه. (کلینی، ج ۱، ص ۱۳۳)
 ۶. میراث محمد بن ابی عمیر. (همان، ج ۱، ص ۹۲)
 ۷. میراث حسین بن یزید نوفلی و عدّه دیگری از مشایخ کوفی‌اش. (طوسی، تهذیب، ج ۱، ص ۳۴؛ نجاشی، ص ۳۶۰)
- اما همان‌طور که اغلب مشایخ وی کوفی و عراقی هستند، اکثر شاگردان او (اگر نگوییم همه شاگردانش)، قمی می‌باشند و این بدان معنا است که محمد بن خالد میراث کوفه را به قم منتقل کرده است.

۲-۲- فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ هجری)

وی در میان اصحاب ائمه علیهم‌السلام بزرگ‌تر از آن است که وصف شود. نجاشی که خریط فن است درباره او می‌گوید: «پدر وی از اصحاب یونس بود، او از امام جواد علیه‌السلام و گفته شده از امام رضا علیه‌السلام روایت کرده است. وی ثقه و از فقهاء و متکلمین اصحاب ما است که دارای جلالت و شأن است و مشهورتر از آنکه بخواهیم او را وصف کنیم.»

به گواهی نقل وی از بزرگان اصحاب، او بقیه السلف راویان احادیث اهل بیت علیهم‌السلام است که میراث بسیاری از آنان را به همراه دارد که در راه تحمل میراث رنجها کشید و مسافرتها انجام داد. وی درباره خود می‌گوید: «من بازمانده گذشتگانم، ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و غیر این دورا درک کردم و از آنان در حدود ۵۰ سال اخذ میراث داشتم. هشام بن حکم درگذشت و پس از او یونس بود که جایگاه او را نگاه داشت و به مخالفین پاسخ می‌داد، سپس یونس نیز به رحمت خدا رفت و جز "سکاک"^۱ کسی جای او را نگرفت و بعد از رفتن او، من جانشین و

۱. وی ابوجعفر، محمد بن خلیل، همراه و ملازم و شاگرد هشام بن حکم است. نک: «رجال نجاشی»، ص



بازمانده همه آنان هستیم.» (کشی، ص ۵۳۹)

فضل در شمار واسطه‌های فرهنگی و حافظان معالم اهل بیت علیهم‌السلام است که - چه به همراه پدر و چه به تنهایی از زمان جوانی - در طلب حدیث بوده است.

الف) سفرهای فضل بن شاذان

در کتاب رجال کشی قرائنی است که نشان می‌دهد وی به عراق (بغداد - کوفه) مسافرت کرده است. کشی می‌گوید: «فضل بن شاذان گفت: من در قطیعه الربیع و در مسجد زیتونه بودم» (همان، ص ۵۱۵) و «گفته بله! در عراق بودم و از اینکه با عامه نماز می‌خواندم سینه‌ام تنگ شده بود، پس به فقیهی به نام نوح بن شعیب که در آن جا بود شکایت کردم.» (همان، ص ۵۵۹)

قطیعه الربیع از نواحی بغداد است. زمانی که منصور بغداد را تأسیس کرد، به هر کدام از امراء و فرماندهانش قطعه‌ای از اطراف بغداد را داد تا آن جا را آباد کنند و در آن ساکن شوند. لذا هر قطعه به نام آبادگر آن نامیده شد. (نک: المنتخب من المشترك وضعاً و المنفرد صفحاً، ص ۱۴۹) قطیعه الربیع منسوب به ربیع بن یونس حاجب منصور است. (نک: معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۷۷) در طول تاریخ برخی از محدثان و فقیهان به این قطعات منسوب شده‌اند.

ب) نقش فضل در حفظ و نشر میراث

اکثر روایاتی که در کتب اربعه از فضل بن شاذان موجود است، از محمد بن ابی عمیر^۱ و صفوان بن یحیی^۲ و حماد بن عیسی^۳ است و از این چند نفر به مقدار اندکی نقل می‌کند. روایت فضل بن شاذان از امام رضا علیه‌السلام منحصر است به هفت روایتی که

← ۳۲۸

۱. این دسته از روایات بالغ بر صد روایت است. برای نمونه نک: (کلینی، ج ۱، ص ۳۱).
۲. این دسته از روایات نیز بالغ بر صد روایت است. برای نمونه نک: (طوسی، تهذیب، ج ۳، ص ۲۶۰).
۳. این دسته از روایات نیز بالغ بر صد روایت است. برای نمونه نک: (استبصار، ج ۱، ص ۳۹۷).

صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه از فضل می آورد. از این هفت روایت، شش تای آن را از کتاب علل فضل نقل می کند.^۱

در کتابهای رجال و تراجم بیان نشده که وی از امام رضا علیه السلام روایت نقل کرده است. نجاشی نسبت روایت وی از امام رضا علیه السلام را قول ضعیف می داند. (نجاشی، ص ۳۰۶) در دیگر کتابهای اربعه غیر از کتاب من لا یحضره الفقیه، حتی یک روایت از کتاب علل فضل بن شاذان به چشم نمی خورد با اینکه میراث فضل به یک واسطه یعنی محمد بن اسماعیل نیشابوری به کلینی رسیده، در حالی که با دو واسطه علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری و عبدالواحد بن عبدوس به شیخ صدوق رسیده است!

فضل بن شاذان در سفرش به بغداد، میراث ابن ابی عمیر، و در کوفه، میراث صفوان بن یحیی، و در بصره، میراث حماد بن عیسی را گرفته و به شهر حدیثی نیشابور برده است، لذا اساتید وی غیر ایرانی و چند شاگردی که دارد، همه ایرانی هستند. از عبارت کشی چنین استفاده می شود که وی در سال ۲۶۰ هجری در ابتدای غیبت صغری وفات یافت. (کشی، ص ۵۴۳)

۲-۳- احمد بن محمد بن عیسی (م. نیمه دوم قرن سوم)

وی از کسانی است که امام رضا علیه السلام را ملاقات کرده و از امام جواد و امام هادی علیه السلام روایت نقل می کند. او از عده زیادی از شاگردان مکتب اهل بیت علیهم السلام اخذ روایت کرده است و عده زیادی نیز از او اخذ حدیث داشته اند، به حدی که روایات او در کتب اربعه، به حدود ۲۳۰۰ مورد می رسد. (سبحانی، ج ۳، ص ۱۰۰)

احمد بن محمد از فقهاء بزرگ و از بزرگان قم بود که در زمان وی در امر حدیث بسیار دقت می شد، او هرکسی را که در نقل حدیث متساهل بود اجازه ورود به قم

۱. این هفت روایت را می توانید در «من لا یحضره الفقیه»، ج ۱، ص ۲۹۹، ۳۰۵، ۳۱۰، ۴۵۴، ۵۲۲، ۵۴۱ و ج ۴، ص ۴۱۹ ببینید.

نداده یا از آن به بیرون می‌راند. احمد بن محمد بن خالد برقی، ابوسمینه، سهل بن زیاد و ... از این دسته افراد بودند. البته وی همیشه در این عمل مصیب نبود، به طوری که بعد از اخراج برقی او را با احترام بازگردانده و بعد از وفاتش در جنازه وی پابرهنه حاضر شد. (حلی، خلاصة الاقوال، ص ۱۴؛ سبحانی، ج ۳، ص ۱۰۱)

میراث‌های متعددی را احمد بن محمد بن عیسی به قم آورده است. مشخصاً او از اساتید کوفی مانند حسن بن محبوب، علی بن حکم، حسن بن علی فضال، ابن ابی عمیر، محمد بن اسماعیل بن بزیع، محمد بن سنان، احمد بن محمد بن اُبی نصر البزنطی، عثمان بن عیسی، محمد بن یحیی خزاز، علی بن حدید، حسن بن علی و شاء، عبدالله بن محمد حجال، علی بن نعمان اعلم، محمد بن عیسی بن عبید، حسن بن علی بن یقطین، حماد بن عیسی، صفوان بن یحیی، معاویه بن حکیم، و... اخذ حدیث کرده است و در قم به شاگردانش رسانده است.

احمد بن محمد بن عیسی درباره سفرش به کوفه می‌گوید: «به سوی کوفه در طلب حدیث حرکت کردم»^۱

کثرت روایات احمد بن محمد بن عیسی می‌رساند که وی سهم بسیار زیادی در رساندن میراث غنی کوفه به قم داشته است. اکثر قریب به اتفاق اساتید وی کوفی و عراقی هستند و همه شاگردان و راویان وی قمی بودند، مانند محمد بن یحیی العطار، علی بن ابراهیم بن هاشم، داود بن کوره قمی، احمد بن ادريس، علی بن موسی الکنندانی، سعد بن عبدالله قمی، محمد بن علی بن محبوب، محمد بن الحسن صفار، محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری.

احمد میراث اشخاص زیادی را به قم آورده که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:
۱. میراث حسن بن محبوب^۲: این میراث یکی از فراوان‌ترین میراثی است که

۱. نجاشی، رجال، ص ۳۹ در ترجمه حسن بن علی بن و شاء.

۲. صدّها روایت در کتب اربعه با این سند موجود است، برای نمونه نک: (کلینی، ج ۱، ص ۱۰).

احادیث اهل بیت علیهم‌السلام در آن آمده است که در آن کتب زیادی از اصحاب ائمه علیهم‌السلام مانند کتاب علاء بن رزین، وجود دارد. بیشتر میراث حسن بن محبوب در کتب اربعه توسط احمد بن محمد و سفر فرهنگی او به عراق و کوفه و رساندن میراث ابن محبوب به قم، به ما رسیده است. امروز به برکت این سفر، در کتب اربعه، میراث حسن بن محبوب به چشم می‌خورد.

۲. میراث علی بن حکم انباری^۱: بیشترین روایات علی بن حکم در کتب اربعه به واسطه احمد بن محمد بن عیسی به ما رسیده است. احمد با اخذ میراث علی بن حکم در کوفه و انتقال آن به قم، سهم بزرگی در حفظ و نشر میراث حدیث شیعه دارد، این میراث که به صدها روایت می‌رسد امروز به برکت همین سفر در کتب اربعه موجود است.

۳. میراث حسن بن علی بن فضال^۲: بیشترین روایات حسن - همانند دو شخص قبل - در کتب اربعه به واسطه سفر احمد بن محمد بن عیسی به کوفه و ایصال میراث به قم، به دست ما رسیده است. این میراث که به صدها روایت می‌رسد باعث غنای فرهنگ شیعی شده است.

۴. میراث ابن ابی عمیر^۳.

۵. میراث محمد بن اسماعیل بن بزیع^۴.

۶. میراث احمد بن محمد بن ابی نصر البزنطی^۵.

۷. میراث عثمان بن عیسی^۶.

۱. صدها روایت در کتب اربعه با این سند موجود است، برای نمونه نک: (کلینی، ج ۱، ص ۴۲).
۲. صدها روایت در کتب اربعه با این سند موجود است، برای نمونه نک: (کلینی، ج ۱، ص ۱۱).
۳. صدها روایت در کتب اربعه با این سند موجود است، برای نمونه نک: (کلینی، ج ۱، ص ۳۳).
۴. صدها روایت در کتب اربعه با این سند موجود است، برای نمونه نک: (کلینی، ج ۱، ص ۴۱).
۵. صدها روایت در کتب اربعه با این سند موجود است، برای نمونه نک: (کلینی، ج ۱، ص ۴۸).
۶. بیش از صد روایت در کتب اربعه با این سند موجود است، برای نمونه نک: (کلینی، ج ۱، ص ۵۷).

۸. میراث محمد بن یحیی خزاز.^۱

۹. میراث حسن بن علی و شاء. (کلینی، ج ۱، ص ۵۶)

۱۰. میراث علی بن حدید. (همان، ج ۱، ص ۲۰)

۱۱. میراث عبدالله بن محمد حبال. (همان، ج ۱، ص ۴۱)

۱۲. میراث علی بن نعمان اعلم. (همان، ج ۱، ص ۵۰)

۱۳. میراث محمد بن عیسی بن عبید. (کلینی، ج ۱، ص ۱۷۹)

۱۴. میراث حسن بن علی بن یقطین. (همان، ج ۱، ص ۵۸)

۱۵. میراث حماد بن عیسی. (همان، ج ۱، ص ۴۰)

۱۶. میراث صفوان بن یحیی. (همان، ج ۱، ص ۳۶)

۱۷. میراث معاویه بن حکیم. (همان، ج ۱، ص ۳۱۱)

۲-۴- سهل بن زیاد آدمی

نقش او در انتقال میراث شیعی آن قدر مهم است که اکثر میراث احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی و مقدار زیادی از میراث حسن بن محبوب توسط او به ما رسیده است. استادان غیر ایرانی او غیر از حسن بن محبوب و بزنطی در اخذ حدیث عبارتند از: محمد بن الحسن بن شمون، علی بن اسباط و محمد بن عیسی بن عبید، ایوب بن نوح بن دراج نخعی، موسی بن جعفر بغدادی، حسن بن علی بن یقطین و علی بن الحکم.

با این همه استاد غیر ایرانی که در ترجمه وی آمده، هیچ گونه سفری در راه اخذ حدیث برایش ذکر نشده است. از طرفی مطمئن هستیم که همه این افراد وارد قم یا ری نشده اند. سؤالی که اینجا مطرح است آن است که چگونه این میراث که بزرگانی مانند کلینی به آن اعتماد کرده اند به دست سهل بن زیاد رسیده است؟

بعید نیست که علت اخراج وی توسط احمد بن محمد بن عیسی از قم همین گونه

۱. بیش از صد روایت در کتب اربعه با این سند موجود است، برای نمونه نک: (کلینی، ج ۱، ص ۲۱۶).

پرسشها باشد.

نجاشی درباره‌ی او می‌گوید: «وی در حدیث ضعیف و غیر معتمد است. احمد بن محمد بن عیسی بر او شهادت به غلو و کذب داد و او را از قم به ری فرستاد و در آن جا سکناگزید.» (نجاشی، ص ۱۸۵)

البته شیخ طوسی وی را در کتاب رجال^۱ که بعد از فهرست نگاشته، او را توثیق کرده است.^۲

از طرفی باید توجه داشت که قمیان عده‌ای را تضعیف کردند در حالی که در بین اصحاب هرگز ضعف آنان ثابت نیست، بلکه دارای جلالت و وثاقت‌اند. از جمله این افراد، یونس بن عبدالرحمان (طوسی، رجال، ص ۳۴۶)، حسین بن شاذویه (ابن غضائری، ج ۱، ص ۵۳) و قاسم بن حسن بن علی بن یقظین‌اند. (همان، ص ۸۶: حلی، الخلاصة، ص ۵۲؛ همچنین نک: حائری مازندرانی، ج ۳، ص ۴۲۵ - ۴۳۰)

سفر سهل بن زیاد

احتمال دارد که وی به عراق سفر کرده باشد و این میراث غنی را اخذ کرده باشد و در قم و ری نشر داده باشد، البته باید گفت کسی به این موضوع اشاره نکرده است. احتمال دیگر آن است که وی کتابهای اساتید خویش را به طریقه‌ای که ما آن را مناوئه مقرون به اجازه نامیده‌ایم اخذ کرده است. مناوئه مقرون به اجازه این است که شاگرد، کتاب استاد را مناوئه اخذ کند یا استاد، کتابش و اجازه نقل را به هر طریقی به او برساند. برای این‌گونه از نقل و اخذ حدیث، می‌توان به این فعل پیامبرگرامی اسلام ﷺ استناد کرد که ایشان به امیر سریه‌ای نامه‌ای دادند و فرمودند تا به فلان

۱. طوسی، رجال، ص ۳۸۷، فی اصحاب ابی الحسن الثالث علی‌ه السلام.

۲. شیخ در فهرستش او را تضعیف کرده است، برخی دیگر مانند علامه بحر العلوم وی را توثیق کرده‌اند. نک: الفوائد الرجالیه، ج ۳، ص ۲۳؛ مرحوم وحید نیز همین نظر را پذیرفته است و دلیلهایی بر این مطلب آورده است. نک: خوئی، ج ۸، ص ۳۳۹.



مکان نرسیدی، حق خواندن این نامه را نداری. (مافانی، ص ۱۷۷ و ۱۷۹)

البته این‌گونه از تحمل میراث در تاریخ حدیث سابقه دارد، برخی از بزرگان نیز دارای چنین نقل میراثی اند. صاحب اعیان الشیعه می‌نویسد: «جعفر بن معروف می‌گوید: از یعقوب بن یزید شنیدم که می‌گفت: یونس احادیث را بدون سماع روایت می‌کند». (امین عاملی، ج ۱۰، ص ۳۲۹)

شیخ طوسی نیز در رجال خود در ترجمه محمد بن حسن بن ولید می‌گوید: «تلعبری با اینکه ابن ولید را ملاقات نکرده است از او نقل میراث می‌کند لکن اجازه‌ای از طرف او و به دست دوستش جعفر بن حسین بن مؤمن به تلعبری داده که در آن اجازه روایت جمیع روایاتش را به تلعبری داده است.» (طوسی، رجال، ص ۴۳۹)

بنابراین اگرچه اطلاعاتی از سفرهای سهل بن زیاد به دست نیاوردیم، ولی با توجه به قرائنی که اشاره شد، می‌توان وی را جزء واسطه‌های فرهنگی به حساب آورد.

۵-۲. محمد بن مسعود عیاشی (اوائل قرن چهارم)

وی از بزرگان فقه‌های شیعه امامیه است که از جهت زمانی در طبقه کلینی می‌زیسته است. تفسیر معروف عیاشی که مقداری از آن امروز باقی است، از مصنفات ایشان است.

ابو عمرو؛ محمد بن عمر کشی که از شاگردان عیاشی است، در کتابش می‌گوید: «من در مورد این چند نفر، از استادم محمد بن مسعود پرسیدم. او گفت: علی بن حسن بن علی بن فضال در کوفه، شخصی است که من مانند او در فقه و فضل بین کسانی که در عراق و خراسان ملاقات کردم ندیدم. ... اما اسحاق بن محمد بصری کسی است که من به همراه او برای کتابت نسخه‌ها به بغداد رفتم.» (کشی، ص ۵۳۰) این نقل به خوبی ثابت می‌کند که عیاشی در طلب حدیث، به سفرهای متعددی رفته و در بغداد و کوفه با علماء آن دیار، دیدار داشته است.

پس به درستی می‌توان ایشان را یکی از واسطه‌های فرهنگی در انتقال احادیث برشمرد.

۲-۶- محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی (۳۲۹ هجری)

ایشان با نگارش کتاب شریف کافی در حکم "ختامه مسک" همه تألیفات امامیه قبل از این کتاب است. وی این کتاب را در حدود ۲۰ سال و با اخذ از کتابها و تصنیفات و اصول معتبر اصحاب امامیه نوشت. نجاشی درباره او می‌گوید: «شیخ اصحاب ما در زمان خودش در ری و مورد اطمینان‌ترین افراد و اثبات ایشان در حدیث بود.» (نجاشی، ص ۳۷۷)

ابن اثیر درباره او می‌گوید: «از رهبران و علماء امامیه است.» (ابن اثیر، ج ۸، ص ۳۶۴) ذهبی نیز درباره او می‌گوید: «فقیه امامی از مردم کلین که شیخ شیعه در بغداد بود و در همان‌جا نیز درگذشت.» (زرکلی، ج ۷، ص ۱۴۵)

کلینی در عصر سفراء اربعه و بعد از آن‌که شیخ مردم ری شد، یعنی در اواخر عمرش، به بغداد سفر کرد و مشغول به نشر حدیث شد. (سبحانی، ج ۴، ص ۴۷۹)

سفر کلینی به شام

ابن عساکر در تاریخش به موضوعی اشاره می‌کند که در غیر این کتاب بیان نشده است. او می‌گوید: «کلینی وارد دمشق شده و در بعلبک القاء حدیث داشت ...» (ابن عساکر، ج ۵۶، ص ۲۹۷؛ فهرس التراث، ج ۱، ص ۳۷۱)

صحت و سقم این خبر آشکار نیست و بر فرضی که آن را قبول کنیم، باید بپذیریم که کلینی با کوله باری از میراث‌های شیعی به شام رفته و در آن دیار به نشر حدیث پرداخته است.

میراثی که کلینی در حفظ و انتشار آن نقش داشته است:

۱. میراث علی بن ابراهیم: برترین نقش کلینی در حفظ میراث، در پاسداری از

میراث علی بن ابراهیم و پدرش است که هزاران روایت در کتب اربعه از آنان نقل شده است. (برای نمونه نک: کلینی، ج ۱، ص ۱۲، ۲۳ و...)

با حفظ میراث علی بن ابراهیم، مجموعه‌ای از میراث حماد بن عیسی، نوفلی، حسن بن محبوب، عبدالله بن مغیره، عبدالرحمان بن ابی نجران، احمد بن زنی و... نیز حفظ شد.

به خصوص با تدوین کتاب کافی، میراث ابن ابی عمیر که در کتب اربعه بیشترین روایات او از طریق ابراهیم بن هاشم به ما رسیده است، حفظ شد.

۲. میراث محمد بن یحیی العطار: روایات وی در کافی بعد از علی بن ابراهیم در بالاترین تعداد است. کلینی به این میراث دسترسی داشته و روایات او را در کافی به کثرت نقل می‌کند. (برای نمونه نک: همان، ج ۱، ص ۱۰، ۱۱ و...)

۳. میراث احمد بن ادریس اشعری: کلینی اکثر میراث وی را در کافی نقل می‌کند. (برای نمونه نک: همان، ج ۱، ص ۱۱، ۶۵ و...)

۴. میراث حسین بن محمد بن عامر: همه میراث او در کتب اربعه، منحصر به نقل کلینی از او است، مگر یک روایت که جعفر بن محمد بن قولویه از او نقل کرده است. (طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۸۴)

۵. میراث محمد بن اسماعیل نیشابوری: اکثر میراث وی منحصر به نقل کلینی است و در حقیقت میراث محمد بن اسماعیل همان میراث فضل بن شاذان است. پس احتمال دارد که کلینی در مسیر خود به نیشابور هم سفر کرده باشد؛ زیرا اگر محمد بن اسماعیل به قم یا ری سفری داشت حتماً غیر از کلینی، دیگران نیز از او نقل می‌کردند. (کلینی، ج ۱، ص ۱۱، ۶۵ و...)

۶. میراث علی بن محمد علان کلینی. (کلینی، ج ۱، ص ۱۰، ۲۰ و...)

۷. میراث علی بن محمد بن عبدالله. (کلینی، ج ۱، ص ۲۸، ۳۱ و...)

۸. میراث محمد بن حسن طائی. (کلینی، ج ۱، ص ۲۶، ۳۲ و...)

مرحوم کلینی در اثر این سفر پر برکت خویش، توانست از میراث مشایخ کوفی و بغدادی نیز استفاده کند و با ضبط آنان در اثر ماندگارش (کافی) در حفظ میراث شیعه نقش مهمی ایفا کند.

۷-۲- علی بن حسین بن بابویه (م ۳۲۹)

او یکی از افراد مؤثر و چهره‌های درخشان در زمینه حفظ و نشر احادیث اهل بیت علیهم‌السلام است. هنگامی که وارد بغداد شد، عده‌کثیری از دانشوران بغداد، از او کسب حدیث کردند. نجاشی درباره‌ی وی می‌گوید: «ابوالحسن شیخ قمیان، فقیه، ثقه و بزرگ آنان است». (نجاشی، ص ۲۶۱)

او وارد عراق شده و با جناب حسین بن روح ملاقات داشت و از او مسائلی پرسید. سپس توسط نامه‌ای که به علی بن جعفر بن اسود داد، از او خواست که نامه‌اش را که در آن طلب فرزند کرده بود، به صاحب الامر علیه‌السلام برساند. حضرت برای او نوشتند: برای تو دعا کردیم، خداوند دو فرزند پسر و صاحب خیر به تو عنایت می‌کند.

آنگاه ابو جعفر و ابو عبدالله از امّ ولدی برای او به دنیا آمد. وی کتابهایی دارد. به ما خبر داد ابوالحسن عباس بن عمر الكلوذانی و گفت: من اجازه‌ی علی بن الحسین برای روایت تمام کتابهایش را در سال ۳۲۸ هجری که وارد بغداد شد از او گرفتم. علی بن الحسین در سال تناثر نجوم^۱؛ یعنی ۳۲۹ هجری وفات یافت. (نجاشی، ص ۲۶۱ - ۲۶۲)

همان‌طور که از تاریخ وفات برخی دیگر از بزرگان استفاده می‌شود، در این سال یعنی سال ۳۲۹ هجری، علی بن محمد سمری نائب چهارم (علامه حلّی، خلاصه

۱. به سقوط شهابهای آسمانی تناثر النجوم گفته می‌شود، لذا قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ»، در این سال سقوط شهاب سنگها به وفور دیده شده است، به حدی که به آن سال تناثر نجوم گفته می‌شود و کنایه‌ای از وفات بزرگان دین که هم‌چون شهاب آسمان دیانت هستند، می‌باشد.



الاقوال، ص ۲۷۳) و ثقه الاسلام کلینی^۱ نیز وفات کردند.

سفرهای ابن بابویه به بغداد

مطلب قابل توجهی که در متن نجاشی وجود دارد، این است که می‌گوید: «علی بن الحسین وقتی وارد بغداد شد با حسین بن روح ملاقات داشته و برخی سؤالات را از وی می‌پرسد». او بعد از چند سطر، از قول عباس بن عمر الکلوذانی می‌گوید: "من اجازه نقل کتابهایش را در سال ۳۲۸ که وارد بغداد شد از علی بن حسین گرفتم." از طرفی مسلم است که حسین بن روح در سال ۳۲۶ هجری وفات یافت، حال چگونه بین اخذ کتاب توسط کلوذانی از علی بن الحسین در سال ۳۲۸ و وفات حسین بن روح (امین عاملی، ج ۶، ص ۲۱) در سال ۳۲۶ جمع کنیم؟

چند احتمال

۱. تصحیف و اشتباهی در ثبت تاریخ بوده است، و کلوذانی در سال ۳۲۸ از ابن بابویه اخذ کتاب نکرده است.
۲. چه بسا مرحوم ابن بابویه دو مرتبه به بغداد سفر کرده است - مطلبی که برای فرزندش شیخ صدوق نیز گفته شده است. (نک: صدوق، مقدمه عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶) - یک بار قبل از سال ۳۲۶ هجری که در آن سفر با حسین بن روح دیدار داشته است و یک مرتبه هم در سال ۳۲۸ هجری که در آن سال اجازه روایت کتابهایش را به برخی داده است. اما در کتابهای تراجم، از سفر دوم وی صحبتی به میان نیامده است، علاوه بر این که اگر سفری بوده، از ملاقات او با نائب چهارم امام عصر (عج) نیز چیزی بیان نشده است. اما چیزی که این سفر دوم را تقویت می‌کند گفتار شیخ در رجال او است: «تلعکبری از علی بن حسین روایت می‌کند و می‌گوید: از علی بن

۱. نجاشی، رجال، ص ۳۷۷، اما به نظر شیخ طوسی، کلینی در سال ۳۲۸ وفات کرده است. نک: طوسی، فهرست، ص ۳۹۵.



حسین در سالی که تناثر نجوم بود که وی در آن سال وارد بغداد شد، سماع حدیث داشته و اجازه همه کتابهایش را اخذ کردم.» (طوسی، رجال، ص ۴۳۲)

اگر بخواهیم با تفسیر نجاشی از سال تناثر نجوم؛ یعنی سال ۳۲۹، این کلام شیخ را تفسیر کنیم، باید گفت: تلعبری در سال ۳۲۹ از علی بن حسین استماع حدیث داشته است؛ همان سالی که بنا بر نقل نجاشی، علی بن الحسین وفات کرده است. در نتیجه تلعبری در سال ۳۲۹ و کلوذانی در سال ۳۲۸ از او استماع داشته‌اند. اما این توجیه، بعید است زیرا، اولاً در سال ۳۲۹ ابن بابویه وفات کرده است. ثانیاً به این معنا است که بیش از یک سال و تا آخر عمرش ابن بابویه در بغداد بوده است و ثالثاً شخصی مانند تلعبری از شخصیت حدیثی مانند ابن بابویه در مدت یک سال استماع حدیث نداشته باشد؟!

اما مطلبی که می‌تواند مشکل را حل کند آن است که شیخ طوسی و نجاشی در سال تناثر نجوم با هم اختلاف دارند. نجاشی در ترجمه کلینی می‌گوید: «ابوجعفر در سال ۳۲۹ که سال تناثر نجوم است در بغداد وفات یافت.» (نجاشی، ص ۳۷۷) ولی شیخ در ضبط تاریخ وفات کلینی می‌گوید:

«کلینی در سال ۳۲۸ در بغداد وفات یافت.» (طوسی، فهرست، ص ۳۹۵) با اینکه به گفته نجاشی، کلینی در سال تناثر نجوم وفات کرده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اولاً ابن بابویه دو بار به بغداد سفر کرده است و ثانیاً استماع حدیث تلعبری و کلوذانی از ابن بابویه در سال ۳۲۸ بوده است.

نقش علی بن حسین در حفظ میراث حدیثی

نجاشی در زمره کتابهای او، کتاب معراج را نام می‌برد که در شمارش شیخ از کتابهای او وجود ندارد. او کتابهای فراوانی به بغداد آورد و در آنجا، عباس بن عمرو تلعبری از او اخذ و استماع کردند. نقش وی در حفظ و گسترش میراث مکتوب شیعه غیر قابل انکار است.

۸-۲. محمد بن علی بن حسین بابویه (م ۳۸۱)

شیخ صدوق از بزرگان طایفه و بالاتر از حد توصیف و مدح است. اصحاب رجال و تراجم در جلالت شأن او اتفاق نظر دارند. (نجاشی، ص ۲۶۱؛ طوسی، فهرست، ص ۴۴۲)

وی در حدود ۲۰ سال با پدر بزرگوارش در قم زندگی کرد و بعد از مدتی به ری رفته و سپس در طلب حدیث، رنج سفر را بر خود هموار کرده و به مسافتهای طولانی مسافرت کرد.

مسافرت‌های شیخ صدوق

وی در سال ۳۳۸ به ری فرا خوانده شد و تا سال ۳۵۲ در آنجا اقامت کرد. در همین سال بعد از زیارت امام رضا (ع) به نیشابور و سپس به بغداد رفته و به استماع حدیث پرداخت. در سال ۳۵۴ وارد کوفه شد و سپس در سال ۳۵۵ بعد از زیارت مکه مکرمه بار دیگر به بغداد رفت. همچنین به بلخ و سرخس و ایلاق نیز مسافرت کرد. (صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۶)

او با سفرهای متعددی که داشت، مواریث مختلفی گرد آورد و به نشر آن اقدام کرد. همچنین میراث را در کتاب خود به نام کتاب من لا یحضره الفقیه و کتاب دیگرش به نام مدینه العلم جمع‌آوری کرد. کتاب بزرگ و جامع او به نام مدینه العلم تا زمان شیخ بهایی موجود بوده که متأسفانه بعد از آن، از بین رفته است. (آقابزرگ تهرانی، ج ۲۰، ص ۲۵۲)

نقش شیخ صدوق در حفظ و نشر میراث حدیثی

شیخ صدوق در طریق کتابهای زیادی قرار گرفته است که نشان از نقش وی در حفظ و نشر میراث دارد. اینک به کتابهایی که وی نقش انتقال و وساطت داشته است اشاره می‌کنیم:



۱. کتاب زرارة بن اعین: طریق نجاشی به این کتاب از راه شیخ صدوق است. (نجاشی، ص ۱۷۵)
 ۲. اصل اسحاق بن عمار: بعد از این که این اصل به قم می‌رسد، صدوق آن را در سفرهایش به عراق می‌برد. (طوسی، الفهرست، ص ۳۹)
 ۳. کتاب ایوب بن نوح. (همان، ص ۴۳)
 ۴. کتاب احمد بن نصر خزاز. (همان، ص ۸۱)
 ۵. کتابهای حسن بن محبوب. (همان، ص ۱۲۳)
- و کتب دیگری که وی نقش انتقال آنها را داشته است.
- ۹-۲- علی بن محمد بن عبدالله ابوالحسن قاضی قزوینی (نیمه دوم قرن چهارم)
- نجاشی درباره او می‌گوید: «وی از بزرگان اصحاب و ثقه در حدیث است. در سال ۳۵۶ وارد بغداد شد و قطعه‌ای از کتاب عیاشی را به همراه داشت. نخستین کسی است که این میراث را به بغداد آورد.» (نجاشی، ص ۲۶۷)
- شیخ در شرح حال حیدر بن محمد سمرقندی می‌گوید: «حیدر به واسطه کشی، همه مصنفات عیاشی را نقل می‌کند و تلعبیری از او در سال ۳۴۰ روایت می‌کند.» (طوسی، رجال، ص ۴۲۰)
- بنابراین خبر شیخ با کلام نجاشی در تعارض است زیرا بنابر کلام شیخ در ترجمه حیدر بن محمد، مصنفات عیاشی در سال ۳۴۰ به بغداد رسیده است نه آنکه در سال ۳۵۶ توسط قاضی قزوینی وارد بغداد شده باشد.
- اینجا دو امر، بدیهی است، اولاً تلعبیری از حیدر بن محمد در بغداد اخذ حدیث داشته است و ثانیاً از جمله میراثی که قزوینی به بغداد آورد، میراث عیاشی بود.

راه حل

ابن داود در رجالش که ظاهراً رجال شیخ نیز نزد او بوده^۱، برای سال ورود قاضی قزوینی به بغداد تاریخی ثبت کرده است که شاید به وسیله آن مشکل مرتفع شود. او سال ورود قاضی قزوینی را ۳۳۰ ضبط کرده است. (حلی، رجال ابن داود، ج ۱، ص ۲۴۹) بنابراین با کلام شیخ در شرح حال حیدربن محمد و مطلب نجاشی مبنی بر اینکه قاضی اولین کسی است که تراث عیاشی را به بغداد آورد، سازگارتر است. با این توجیه، کلام نجاشی نیز مورد قبول واقع می شود ولی علامه در الخلاصه، قول نجاشی را در سال ورود قاضی قزوینی به بغداد ترجیح می دهد. (علامه حلی، خلاصة الاقوال، ص ۱۰۱)

بنابراین قاضی قزوینی را نیز می توان از وسائط فرهنگی که در احیاء میراث مکتوب شیعی نقش مؤثری داشتند، بر شمرد.

۱۰-۲- محمد بن احمد بن داود قمی (م ۳۶۸)

در ترجمه وی چنین آمده است: «ابوالحسن، شیخ و عالم این طایفه و شیخ و فقیه قمیان در زمان خودش بود. او وارد بغداد شد و در آنجا القاء حدیث داشت.» (نجاشی، ص ۳۸۴) پدر وی نیز از اجلاء و بزرگان بود، محمد بن احمد از نظر زمانی، هم عصر محمد بن علی بن حسین بن بابویه و جعفر بن محمد بن قولویه است.

سفر محمد بن احمد بن داود

نجاشی تصریح دارد که وی وارد بغداد شده و در آنجا نشر حدیث داشته است و برای او کتابی به نام الرد علی ابن قولویه فی الصیام نام می برد. (نجاشی، ص ۳۸۴) ابن قولویه قائل بود که ماه رمضان از سی روز کمتر نیست، (تعلیقه امل الامل، ص ۲۴۰) محمد بن احمد در این کتاب این نظریه را رد می کند.

۱. البته در رجال موجود شیخ طوسی، ترجمه قاضی قزوینی ذکر نشده است.

ظاهراً محمد بن احمد بن داود در قم متولد شده است و بعد از رحلت پدرش به همراه دایی خود، سلامه بن محمد به بغداد کوچ می‌کند. اما وی بار دیگر به این شهر سفر می‌کند. این سفر که نجاشی از آن نام می‌برد به این معنا است که وی بعد از سفرش به بغداد، به قم آمده و در این شهر زندگی کرده تا به مقام شیخ القمیین رسیده است، سپس به بغداد سفر کرده و به نشر حدیث مشغول شده است. همین احتمال به صواب نزدیک است، زیرا اولاً معنا ندارد در آن سن که به همراه دایی خود به بغداد رفته است، القاء حدیث داشته باشد. ثانیاً در ترجمه وی آمده که از مصاحبان، علی بن حسین بن بابویه است. (طوسی، الفهرست، ص ۷۰)

محمد بن احمد از مشایخ قمی و عراقی متعددی استفاده کرده است و در طریق روایات و اجازات زیادی قرار گرفته است. روایاتی که از او در کتب اربعه نقل شده، منحصر در کتاب تهذیب شیخ طوسی است.

احمد بن محمد کتاب حسین بن سعید (بنابر یکی از طرق) و کتاب احمد بن علی ابوالعباس رازی را از قم و ایران به کوفه و بغداد انتقال داده است. وی همچنین در طریق کتب متعددی قرار گرفته است و به مواردی که در آنها نقش واسطه‌گری داشته است اشاره می‌کنیم:

۱. کتاب ابراهیم بن بشر (نجاشی، ص ۲۳): «أخبر محمد بن محمد عن محمد بن أحمد بن داود عن الحسين بن محمد بن علان^۱ قال: حدثنا أبو الحسين الآمدی عن محمد بن عبد الحميد عن إبراهيم بن بشر به».

۲. کتاب ربیع بن زکریا وراق: «أخبرنا عده من أصحابنا عن محمد بن أحمد بن داود عن أحمد بن محمد بن سعید قال: حدثنا محمد بن أحمد بن خاقان النهدي قال: حدثنا محمد بن علی

۱. اسم وی در روایات موجوده حسین است. (نک: طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۴۸)

أبو سمينه الصيرفي قال: حدثنا محمد بن أورمه عنه به».

۳. کتب سلامه بن محمد بن اسماعیل: وی دایی محمد بن احمد بن داود است که طریق به روایات و کتاب او در کتب اربعه، منحصر در محمد بن احمد بن داود است. نجاشی می گوید: «أخبرنا محمد بن محمد و الحسين بن عبيد الله و أحمد بن علي قالوا: حدثنا أبو الحسن محمد بن أحمد بن داود عن سلامه بكتبه». (نجاشی، ص ۱۹۲)

۴. کتاب پدرش محمد بن داود: (طوسی، الفهرست، ص ۷۰) نقل روایات و کتاب احمد بن داود منحصر در نقل محمد بن احمد بن داود است. محمد بن احمد بن داود این کتاب را به بغداد رساند.

۲-۱- عبدالله بن جعفر حمیری (نیمه اول قرن چهارم)

وی شیخ و بزرگ قمیان در زمان خودش بود که در بین سالهای ۲۹۰ تا ۳۰۰ وارد کوفه شد و اهل کوفه از او بسیار استماع کردند. از کتابهای معروف وی، کتاب قرب الاسناد الی الرضا (ع)، کتاب قرب الاسناد الی ابی جعفر بن الرضا (ع) و کتاب قرب الاسناد الی صاحب الامر (ع) است. (نجاشی، ص ۲۱۹)

ابو غالب زراری می گوید: «حمیری در تاریخ ۲۳۷ هجری وارد کوفه شد و سپس می افزاید: من این تاریخ را به خط عبدالله بن جعفر در کتاب صوم حسین بن سعید یافتم.» (آقابزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۱۴۳)

مرحوم آیت الله بروجرودی در مقدمه قرب الاسناد می گویند: «روایت حمیری از محمد بن حسین بن ابی الخطاب که متوفای ۲۶۲ هجری است، دلالت دارد که حمیری در حدود سال ۲۴۰ هجری یا قبل آن متولد شده است و روایت ابو غالب زراری نشان می دهد که در سال ۳۰۰ یا مقداری بعد از آن زنده بوده است. (فهرس التراث، ج ۱، ص ۳۰۹)

در میان اساتید وی، هم مشایخ قمی مانند: احمد بن اسحاق اشعری و حسین بن مالک قمی و احمد بن حمزه وجود دارد و هم مشایخ کوفی مانند: ایوب بن نوح و

محمد بن عیسی بن عبید. اما شاگردان وی همه قمی هستند که به این معنا که حمیری میراث مختلفی را به قم آورده است.

۳. نقش واسطه‌های غیر ایرانی در حفظ و نشر میراث شیعه

۳-۱. ابان بن عثمان الاحمر (نیمه دوم قرن دوم)

وی از امامان صادق و کاظم علیهما السلام روایت می‌کند و از اصحاب جلیل القدر ائمه علیهم السلام است. او اصالتاً کوفی است ولی گاهی در کوفه و گاهی در بصره زندگی می‌کرد. (نجاشی، ص ۱۳؛ طوسی، الفهرست، ص ۴۷) به همین دلیل، میراث شیعی این دو شهر را با هم داشت، به نحوی که میراث کوفه را به بصره و بصره را به کوفه انتقال می‌داد.

وی در کنار پنج نفر دیگر از اصحاب جلیل القدر ائمه علیهم السلام، از کسانی است که اصحاب بر "تصحیح ما یصح عنهم" (کشی، ص ۳۷۵) اجماع دارند. به خاطر ایفاء نقش واسطه‌گری فرهنگی توسط ابان بن عثمان، در میان مشایخ و شاگردان وی از هر دو شهر بصره و کوفه کسانی به چشم می‌خورند.

بیشترین روایات وی، از عبدالرحمان بن ابی عبدالله بصری از مشایخ اهل بصره وی است. او از زرارة بن اعین، فضل بن عبدالملک بقباق، ابوبصیر و محمد بن مسلم که در زمرة مشایخ کوفی‌اش هستند نیز اخذ روایت دارد.

در نقش واسطه‌گری فرهنگی، ابان بن عثمان میراث اشخاصی مانند عبدالرحمان بن ابی عبدالله بصری و اسماعیل بن فضل بن یعقوب را در بصره اخذ کرده و در کوفه انتشار می‌دهد. با دقت بیشتر در مشایخ و شاگردان ابان بن عثمان به این نتیجه می‌رسیم که عمل ابان بن عثمان در بصره بیشتر اخذ روایات بوده است و نقش اساسی او در کوفه نشر این میراث بوده است.^۱

۱. بیشترین روایاتی که در سند آن ابان بن عثمان وجود دارد، روایاتی است که از مشایخ بصری خود اخذ

از جمله شاگردان کوفی وی که میراث بصره را از او دریافت کردند، اینانند: علی بن حکم، حسن بن علی و شاء، احمد بن حسن بن اسماعیل میثمی، فضاله بن ایوب، قاسم بن محمد، ابن ابی عمیر، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، عباس بن عامر، جعفر محمد بن سماعة و ...

۲-۳- محمد بن عیسی بن عبید (اوائل نیمه دوم قرن سوم)

نجاشی درباره او می گوید: «محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین بن موسی، ابوجعفر که جلیل القدر، ثقه، عین و کثیر الروایه و حسن التصانیف است. از امام جواد علیه السلام کتبی و شفاهی روایت می کند.» (نجاشی، ص ۳۳۳)

محمد بن عیسی از اصحاب چهار تن از امامان معصوم یعنی امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیه السلام است. (سبحانی، ج ۳، ص ۵۵۲) وی به حدی از یونس بن عبدالرحمان نقل می کند که جزء شاگردان مبرز او شناخته می شود و در برخی کتب از او به عنوان یونسی نام می برند. در زندگی نامه او آمده است که در بغداد ساکن شده است، ولی از مسافرتها و چیزی نقل نشده است.

افراد متعددی از قمیان از او روایت می کنند،^۱ بنابراین شاید بتوان به این قاعده ملتزم بود که هرگاه تعداد زیادی از شاگردان، اهل ناحیه و شهری باشند، استاد به آن منطقه سفر کرده نه اینکه آن تعداد از شاگردان به شهر استاد رفته باشند. و هرگاه تعداد مشایخ یک راوی، اکثراً از یک شهر یا منطقه باشند، باید گفت آن راوی به آن شهر سفر کرده است.

از این قاعده در مورد محمد بن عیسی بن عبید نیز می توان استفاده کرد. اکثر

← کرده است. نیز بیشترین روایاتی که در آن ابان بن عثمان نقش استاد و شیخ را دارد، روایاتی است که شاگردان کوفی او مانند فضالة بن ایوب از او نقل کرده اند.

۱. برای نمونه (نک: کلینی، ج ۱، ص ۱۰۷، نقل سعد بن عبدالله قمی از او؛ ج ۲، ص ۲۰۷، نقل محمد بن احمد بن یحیی اشعری از او؛ ج ۱، ص ۶۷، نقل محمد بن الحسن الصفار از او).

شاگردان محمد بن عیسی بن عبید و بیشترین اخذ میراث از او، توسط شاگردان قمی و ایرانی وی بوده است، موضوعی که احتمال انتقال میراث توسط وی را به قم بسیار تقویت می‌کند.

بیشترین میراثی که با سفر فرهنگی محمد بن عیسی بن عبید به قم انتقال داده شد، میراث با ارزش یونس بن عبدالرحمان است؛ به عبارت دیگر شاگرد بارز یونس که بیشترین استماع و اخذ روایات را از او داشته است، محمد بن عیسی بن عبید است که با این سفر فرهنگی توانست میراث یونس را به قم آورده و انتشار دهد. چه بسا اگر این سفر فرهنگی و تلاش خالصانه نبود، امروز اندکی از تراث یونس به عنوان یک میراث تنقیح شده در دست ما بود.

از دیگر کتابهایی که محمد بن عیسی بن عبید به قم آورده، می‌توان به کتابهای زیر اشاره کرد:

یک. کتاب یاسین ضریر بصری

طریق به این کتاب در رجال نجاشی (ص ۴۵۳) و فهرست شیخ طوسی (ص ۵۱۴) و مشیخه شیخ صدوق منحصر به محمد بن عیسی بن عبید است. در این دو طریق، کتاب توسط محمد بن عیسی بن عبید به قم منتقل شده و سپس به عراق انتقال داده می‌شود.

دو. کتاب احمد بن عمر الحلال

یکی از طریقه‌ها به این کتاب، طریق محمد بن عیسی بن عبید است (نجاشی، ص ۹۹) که بعد از انتقال آن به قم و حفظ آن، سپس به عراق برده می‌شود.

سه. کتاب زکریا بن محمد ابو عبدالله مومن

نجاشی درباره طریقش به کتاب می‌گوید: «أخبرنا الحسين و غيره عن أحمد بن محمد بن يحيى قال حدثنا سعد عن محمد بن عيسى بن عبید عنه به». (نجاشی، ص ۱۷۲) همچنین شیخ طوسی در بیان طریقش می‌گوید: «أخبرنا به ابن أبي جید عن ابن



الولید عن الصفار عن محمد بن عیسی بن عبید عن زکریا المؤمن». (طوسی، فهرست، ص ۲۰۶)

چهار. کتاب زید الزرّاد

نجاشی در بیان طریّقش می‌گوید: «له کتاب أخبرنا محمد بن محمد قال حدثنا جعفر بن محمد^۱ قال: حدثنا أبي و علي بن الحسين بن موسى^۲ قالاً: حدثنا علي بن إبراهيم بن هاشم قال: حدثنا محمد بن عيسى بن عبید عن ابن أبي عمير عن زید بكتابه». (نجاشی، ص ۱۷۵) همان‌طور که مشاهده می‌شود، این کتاب کوفی است و توسط محمد بن عیسی به قم انتقال داده می‌شود، سپس به بغداد می‌رود.

پنج. کتاب عبدالله بن عبدالرحمان اصم

وی ظاهراً کتاب دارد: یکی المزار که در آن تخلیط است، دیگری الناسخ و المنسوخ که غیر مختلط است. نجاشی در بیان طریّقش به این کتاب می‌گوید: «أخبرناه غير واحد عن أحمد بن محمد بن يحيى عن سعد عن محمد بن عيسى بن عبید عنه». (همان، ص ۲۱۷)

اصل کتاب بصری است که توسط محمد بن عیسی بن عبید به قم منتقل می‌شود و سپس به بغداد برده می‌شود.

شش. کتاب عبدالله بن محمد بن حصین اهوازی

نجاشی در طریّقش به این کتاب می‌گوید: «أخبرنا أبو عبد الله بن شاذان قال حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى قال حدثنا عبد الله بن جعفر قال حدثنا محمد بن عيسى بن عبید عن عبد الله بكتابه المسائل للرضا^۳». (همان، ص ۲۲۷) همان‌طور که واضح است، این طریّق در ابتدا بغدادی، سپس قمی، و در نهایت به بغداد منتهی می‌شود.

۱. یعنی جعفر بن محمد بن قولویه.
۲. یعنی پدر صدوق.



هفت. کتاب قاسم بن یحیی بن حسن بن راشد

طریق به این کتاب نیز منحصر در نقل نجاشی است. وی می‌گوید: «أخبرنا الحسين بن عبيد الله قال: حدثنا الحسين بن علي بن سفیان قال: حدثنا أحمد بن إدريس قال: حدثنا محمد بن أحمد بن يحيى عن محمد بن عيسى بن عبيد الله عن القاسم بن يحيى بكتابه». (همان، ص ۸۶۶)

هشت. کتاب نصر بن سويد الصيرفي

طریق به این کتاب در کتاب نجاشی (ص ۴۲۷) و یکی از طرق موجود در کتاب فهرست شیخ (ص ۴۸۱)، منتهی به محمد بن عیسی بن عبید است.

نه. کتاب اسماعیل بن جابر

از سه طریق موجود به این کتاب، در دو طریق نقش واسطه‌گری محمد بن عیسی بن عبید به خوبی نمایان است. این دو طریق در کتاب نجاشی و فهرست شیخ طوسی آمده است که در اصل، این دو طریق، یکسان و بدون تفاوت است. نجاشی در بیان طریقش می‌گوید: «أخبرنا أبو الحسين علي بن أحمد قال حدثنا محمد بن الحسن قال حدثنا محمد بن الحسن عن محمد بن عيسى عن صفوان بن يحيى عنه». (نجاشی، ص ۳۳)

شیخ طوسی نیز می‌گوید: «أخبرنا به ابن أبي جید عن ابن الوليد عن الصفار عن محمد بن عيسى بن عبيد عن صفوان عن إسماعيل بن جابر». (طوسی، فهرست، ص ۳۷)

ده. کتاب عبیدالله بن عبدالله دهقان

طریق به این کتاب، منحصر در محمد بن عیسی بن عبید است. این کتاب توسط وی به قم منتقل شده و سپس به بغداد برده می‌شود. طریق شیخ و نجاشی همانند کتاب قبل، یکسان است. (نجاشی، ص ۲۳۱؛ طوسی، فهرست، ص ۳۰۷)

۳-۳- ابراهیم بن هاشم ابو اسحاق (نیمه دوم قرن سوم)

می‌توان وی را سر سلسله واسطه‌های فرهنگی در حفظ و نشر میراث شیعه

دانست. او نخستین کسی است که دو مدرسه بزرگ حدیثی شیعه؛ یعنی کوفه و قم را در حد بسیار بالایی به هم مرتبط کرد و میراث کوفه را به عنوان غنی ترین میراث شیعی به مدرسه قم - که در پذیرش احادیث سخت گیر و طبیعتاً نگهبان بسیار خوبی برای میراث اهل بیت علیهم السلام بودند - رساند. (نجاشی، ص ۱۶)

در میان محدثان و راویان اخبار اهل بیت علیهم السلام، در نقل احادیث و حضور در طرق روایات، کسی به رتبه ابراهیم بن هاشم نمی رسد. این خصوصیت برجسته و تمام شخصیت حدیثی مرحوم ابراهیم بن هاشم در روایات، در اثر همین مسافرت او به قم و در راستای حفظ میراث اهل بیت علیهم السلام بوده است.

وی از حد وثاقت بالاتر است، و رتبه بلندی در میان روایان احادیث اهل بیت علیهم السلام دارد.^۱ همان طور که از شیوخ و شاگردان او پیداست، او میراث کوفه را از مشایخش که در حدود یکصد و شصت نفر بودند (خونی، ج ۱، ص ۳۱۷) فراگرفته و در قم انتشار داد و بدین صورت شاگردانی در این شهر پروراند.

اکثر میراث ابن ابی عمیر که امروز به دست ما رسیده، از طریق ابراهیم بن هاشم است. همین سان اغلب میراث حماد بن عیسی و حسین بن یزید نوفلی و عبدالله بن مغیره در کتب اربعه از طریق همین مسافرت مبارک ابراهیم بن هاشم به دست ما رسیده است. لذا سند روایات زیادی در میراث ما، «علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر» است.

بنابراین میراث بسیاری در اثر این سفر مبارک به دست ما رسید به طوری که تدوین کتاب شریف کافی توسط کلینی، مدیون این سفر تاریخی است.

۱. مرحوم سید محسن امین بحث مفصلی درباره وثاقت ایشان انجام داده است. (نک: امین عاملی، ج ۲، ص ۲۳۴).

میراثی که توسط سفر ابراهیم بن هاشم به ما رسیده است:

۱. میراث ابن ابی عمیر
 ۲. میراث حماد بن عیسی
 ۳. میراث حسین بن یزید نوفلی
 ۴. میراث حسن بن محبوب
 ۵. میراث عبدالله بن مغیره
 ۶. میراث عبدالرحمان بن ابی نجران^۱
 ۷. میراث احمد بن محمد بن ابی نصر البزنطی
 ۸. میراث صفوان بن یحیی
 ۹. میراث الحسن بن علی بن فضال و میراث برخی دیگر از اصحاب که به علت قلت آن از ذکرش خودداری می‌کنیم.
- در میان کسانی که میراثشان توسط ابراهیم بن هاشم به قم منتقل شده است، میراث اسماعیل بن مرار، برجستگی خاصی دارد. دستیابی ما به میراث اسماعیل بن مرار - که همان میراث یونس بن عبدالرحمان و یکی از طرق قابل اعتماد قمیان به کتب یونس است - منحصر در طریقی است که ابراهیم بن هاشم از کتب او به ما رسانده است. (نک: کلینی، ج ۱، ص ۶۷) یعنی اگر این سفر فرهنگی نبود هیچ راهی برای رسیدن به میراث اسماعیل بن مرار وجود نداشت.

۳-۴- ابراهیم بن محمد بن سعید بن مسعود الثقفی (م ۲۸۳ هجری)

وی اصالتاً کوفی است که به اصفهان نقل مکان کرد و در آنجا سکن‌گزید. ابراهیم بن محمد، ابتدا زیدی مذهب بود که به امامیه گروید. وی کتابی به نام المعرفة نوشت و در آن مناقب اهل بیت علیهم‌السلام و مثالب دشمنان

۱. البته با توجه به احتمال سفر عبدالرحمان به قم، بعید نیست که ابراهیم در قم از او اخذ حدیث کرده است.

ایشان را گرد آورد، اما با اینکه کوفه مرکز شیعیان بود او این کتاب را نتوانست در آنجا منتشر کند.

مردم و دانشمندان، خواستار کنار گذاشتن کتاب شدند.^۱ او چون اوضاع شهر شیعی کوفه را مناسب نیافت، دورترین شهر از فرهنگ شیعه را درخواست کرد! به او گفتند: اصفهان! ابراهیم بن محمد چون به صحت محتوای کتابش ایمان داشت قسم یاد کرد تا آن را در چنین شهری که آن زمان از فرهنگ شیعه دور بود، رواج دهد.

آوازه او آنقدر فراگیر شد که عده‌ای مانند احمد بن محمد بن خالد برقی از او خواستار مسافرت و اقامت در قم را داشتند، که وی نپذیرفت.

در میراث او که اکنون در کتب اربعه موجود است، برخی از شاگردان ایرانی و اصفهانی او مانند احمد بن محمد بن خالد، سلمه بن الخطاب أبو الفضل، احمد بن علی (علویه) اصفهانی، علی بن عبدالله بن کوشید اصفهانی، علی بن محمد قاسانی (کاشانی)، ابراهیم بن هاشم و بالاخره سعد بن عبدالله قمی، وجود دارند. به عبارتی دیگر تمام شاگردان وی ایرانی و از منطقه قم، ری، اصفهان و کاشان هستند. او از مشایخی نقل کرده است که برای ما ناشناخته‌اند، به طور مثال: علی بن المعلى اسدی که ابراهیم بن محمد بیشترین نقل را از او دارد مجهول است و میراث او فقط به واسطه سفر فرهنگی ابراهیم بن محمد برای ما باقی مانده است.

۳-۵. حسین بن سعید اهوازی (نیمه دوم قرن سوم)

نجاشی درباره وی می‌گوید: «حسن و حسین فرزندان مهران از موالی علی بن حسین (علیه السلام) هستند، حسن با برادرش حسین در تصنیف ۳۰ کتاب مشارکت داشت ولی حسین بیشتر مشهور گشت.

۱. ظاهراً مردم و دانشمندان کوفه از محتوای این کتاب - که مسائل ضد تقیه را مطرح کرده بود - بر حذر بودند و از وی تقاضای عدم نشر آن را داشتند.

حسین بن یزید سורائی می‌گفت: حسن با برادرش حسین در جمیع رجال شریک است - به جز در زرعه بن محمد حضرمی و فضاله بن ایوب - که در این دو نفر، حسین از طریق برادرش از آنان نقل می‌کند.^۱ (نجاشی، ص ۵۸)

به قرینه ملاقات وی با امام عسکری علیه السلام، می‌بایست حسین بعد از سال ۲۵۰ هجری و قبل از ۳۰۰ هجری درگذشته باشد، زیرا سعد بن عبدالله که میراث حسین بن سعید را از احمد بن محمد بن عیسی نقل کرده است، در سال ۲۹۹ یا ۳۰۱ هجری وفات کرده است.

مرحوم نجاشی طرق زیادی را به کتب حسین بن سعید دارد، او می‌گوید: «از کسانی که از او اخذ میراث کرده‌اند؛

۱. ابو جعفر احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی

۲. ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد برقی

۳. حسین بن حسن ابان

۴. احمد بن محمد بن حسن بن سکن قرشی البردعی

۵. ابوالعباس احمد بن محمد دینوری

هستند که اصحاب ما بر طریقه احمد بن محمد بن عیسی اعتماد کرده‌اند.»

(نجاشی، ص ۵۸ - ۶۰)

فرزندان سعید بن مهران میراث امامیه را از کوفه به اهواز و از اهواز به قم انتقال دادند، در قم بر حسن بن ابان وارد شدند و سپس حسین در قم وفات یافت. از جمله میراثی که آن دو بزرگوار انتقال دادند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ممکن است قبول کنیم که حسین به واسطه برادرش حسن از زرعه نقل می‌کند، زیرا در موارد بسیاری، حسین با واسطه برادرش از او نقل کرده است، ولی نسبت به فضاله این توجیه قابل قبول نیست؛ چراکه مواردی که حسین بدون واسطه برادرش از فضاله نقل می‌کند بسیار زیاد است. لذا می‌بینیم که نجاشی در اینکه حسین بن سعید فضاله را ندیده و ملاقات نکرده باشد، استبعاد می‌کند و می‌گوید: «و رأیت الجماعة تروی بأسانید مختلفة الطرق الحسين بن سعيد عن فضالة والله أعلم». (نجاشی، ص ۳۱۰)

یک. میراث زرعه بن محمد حضرمی

حسین بن سعید از افراد زیادی نقل می‌کند، از جمله زرعه بن محمد. اکثر روایات زرعه در کتب اربعه به نقل از استادش سماعه بن مهران است و اغلب میراث سماعه بن مهران هم توسط همین شاگردش (زرعه) اخذ شده است. این میراث را غالباً زرعه انتقال به حسن بن سعید داده است و در نهایت حسین بن سعید، وارث بیشترین میراث سماعه بن مهران شده است.

حسین بن سعید نیز این میراث را به قم انتقال داده است. اشخاصی مانند احمد بن محمد بن عیسی و احمد بن محمد بن خالد برقی و حسین بن حسن بن ابان، ابراهیم بن هاشم، سعد بن عبدالله و محمد بن اورمه و .. این میراث را اخذ کرده و نشر دادند.

در نتیجه اگر سفر این دو برادر به قم نبود، میراث زرعه بن محمد - که همان میراث سماعه بن مهران است - به ما نمی‌رسید. همچنین میراث دیگر سماعه - که توسط عثمان بن عیسی از سماعه اخذ شده است - نیز در کتاب حسین بن سعید موجود است.

دو. میراث فضاله بن ایوب

نجاشی درباره او می‌گوید: «او صاحب کتاب و عربی است که در اهواز سکنا گزید.» (همان، ص ۳۱۰) حسین بن سعید و برادرش بعد از اینکه وارد اهواز شدند میراث فضاله را از وی دریافت کردند. لذا، اکثر میراث فضاله که امروز در کتب اربعه موجود است، به طریق کتب حسین بن سعید است و اصولاً اغلب شاگردان فضاله اهوازی هستند. امروز داشتن میراث فضاله بن ایوب را مدیون سفر حسین بن سعید و برادرش به قم هستیم.

آیا اخذ میراث حسین بن سعید از فضاله به واسطه برادرش بوده یا او بدون واسطه از فضاله دریافت کرده است؟

نجاشی از قول برخی در ترجمه فضاله بن ایوب می‌گوید: «هر آنچه حسین بن سعید بدون واسطه برادرش از فضاله نقل می‌کند غلط است؛ زیرا وی با فضاله ملاقات نداشته است.» (همان)

چندین قرینه وجود دارد که این کلام صحیح نیست و حسین بن سعید مستقیماً از فضاله نقل کرده است.

الف) حسین بن سعید فراوان بدون واسطه از فضاله نقل کرده است، چیزی که ما در مورد زرع که ادعای مشابهی نسبت به او شده است مشاهده نمی‌کنیم. یعنی عدم ملاقات بین زرع و حسین بن سعید نیز ادعا شده است و در روایات هم جز چند روایت محدود و قابل توجیه - که حسین بن سعید بدون واسطه از زرع نقل کرده است - چیزی نمی‌بینیم. به همین علت نجاشی بعد از این ادعا، می‌گوید: «من افراد زیادی دیدم که از حسین بن سعید از فضاله بدون واسطه نقل کرده‌اند.» (همان) و در نهایت، امر و مشکل را به خداوند محاله می‌دهد.

ب) از طرفی بسیار بعید است که حسین بن سعید در این کثرت روایات که از فضاله بدون واسطه نقل می‌کند، به نام برادرش حسن بن سعید هیچ اشاره‌ای نکند، با اینکه در برخی از روایات فضاله به این واسطه اشاره کرده است. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۷۷)

ج) مرحوم شیخ طوسی از بیان این ادعا در کتاب فهرستش خودداری کرده است و می‌گوید: «حسین تمام مصنفات برادرش را روایت می‌کند و بر این مجموعه روایات حسن از زرع از سماعه را افزوده؛ زیرا روایات زرع را حسین از طریق برادرش حسن نقل می‌کند و درباره دیگران هر دو با هم متساوی‌اند.» (طوسی، فهرست، ص ۱۳۶)

سه. میراث صفوان بن یحیی

صفوان بن یحیی از اجلاء و بزرگان و اصحاب اجماع است که ساکن کوفه و

دارای میراث ذی قیمتی است. او در سال ۲۱۰ هجری بدرود حیات گفت و اخذ میراث وی توسط حسین بن سعید و برادرش از وی در اواخر عمرش و در کوفه اتفاق افتاد. اعظم میراث صفوان بن یحیی امروز توسط حسین بن سعید به ما رسیده است.

چهار. میراث نضر بن سوید صیرفی

وی ثقه و کوفی و از اصحاب امام کاظم علیه السلام است که میراث این شهر را به بغداد منتقل کرد. اکثر میراث وی و میراثی که وی در طریق آن قرار دارد مانند کتاب قاسم بن سلیمان، به وسیله حسین بن سعید و از طریق قمیان به ما منتقل شده است.

پنج. میراث قاسم بن محمد جوهری

وی کوفی و از اصحاب موسی بن جعفر علیه السلام است که در بغداد ساکن شد. اکثر میراث وی توسط حسین بن سعید به ما منتقل شده است؛ به طوریکه اسناد «حسین بن سعید عن قاسم بن محمد عن علی بن ابی حمزه عن ...» به کرات تکرار شده است. چون میراث حسین بن سعید با این سفر پر برکتش به ما رسیده است، در نتیجه از میراث قاسم بن محمد نیز بهره مند شده ایم.

شش. میراث محمد بن سنان

وی کوفی است که اصحاب درباره وی اختلاف نظر دارند. بیشتر میراث وی ابتداءً توسط احمد بن محمد بن عیسی و سپس توسط حسین بن سعید به دست ما رسیده است.

هفت. میراث علی بن نعمان اعلم

وی کوفی و ثقه است، نجاشی درباره وی می گوید: «وی ثقه، وجیه، ثبت و واضح الطریقه است.» (نجاشی، ص ۲۷۴) اغلب میراث وی توسط حسین بن سعید به ما رسیده است، به طوریکه اگر سفر فرهنگی حسین بن سعید و برادرش نبود، میراث نقی علی بن نعمان به ما نمی رسید.

در پایان شایسته است به برخی از میراث اصحاب اشاره کنیم که حسین بن سعید بیشترین روایت‌گر میراثشان بوده است، ولی به علت کم بودن روایاتشان (وجود کمتر از صد روایت در کتب اربعه) به طور اجمالی به آنان پرداخته می‌شود. این اشخاص عبارتند از: محمد بن فضیل، قاسم بن عروه، عبدالله بن بحر، ابراهیم بن ابی بلاد، یوسف بن عقیل، محمد بن خالد اشعری، یعقوب بن یقطين، احمد بن عبدالله قروی و محمد بن حصین اهوازی.

همچنین حسین بن سعید در طرق کتب برخی از اصحاب قرار دارد که به برکت سفرش، به قم منتقل شده و از آنجا در شهرهای شیعی منتشر شده است. مهم‌ترین این کتابها عبارتند از:

الف) کتاب ربعی بن عبدالله

این کتاب با دو طریق به ایران منتقل شده است: طریق اول؛ فضل بن شاذان از حماد بن عیسی از ربعی بن عبدالله. (کلینی، ج ۱، ص ۳۲، ۴۲، ۵۳، ۱۳۲، ۱۴۷، ۲۱۸ و...) طریق دوم؛ احمد بن محمد بن عیسی از حسین بن سعید از حماد بن عیسی از ربعی بن عبدالله. (نجاشی، ص ۱۶۷، در ترجمه ربعی بن عبدالله)

ب) کتاب شعیب بن یعقوب عرقوقی

این کتاب را حسین بن سعید به قم انتقال داده است. احمد بن محمد بن عیسی از حسین بن سعید از حماد بن عیسی از شعیب این کتاب را نقل می‌کند. (همان، ص ۱۹۵، در ترجمه شعیب العرق قوفی)

ج) کتاب فضیل بن یسار نهدی (نجاشی، ص ۳۱۰، در ترجمه الفضل)

د) کتاب قاسم بن سلیمان

طریق ما به این کتاب منحصر است در نقل احمد بن محمد بن عیسی از حسین بن سعید از نضر بن سوید از قاسم. (نجاشی، ص ۳۱۴، در ترجمه قاسم)

ه. کتاب قاسم بن عروه (نجاشی، ص ۳۱۵، در ترجمه قاسم بن عروه)



۶. کتاب ابراهیم بن عمر یمانی (طوسی، فهرست، ص ۲۲، در ترجمه ابراهیم بن عمر)

منابع

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، عزالدین علی بن ابوالکرم. الکامل فی التاریخ. بیروت: دار صادر، ۱۹۶۵ م.
۲. ابن عساکر. تاریخ مدینه دمشق. تحقیق: علی شیر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۳. ابن غضائری، ابوالحسن احمد بن ابی عبدالله. رجال ابن الغضائری. قم: دارالحديث، ۱۴۰۶ ق.
۴. آقابزرگ تهرانی. الذریعه الى تصانیف الشیعه. اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
۵. امین عاملی، سید محسن. اعیان الشیعه. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۶. برقی، ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد. رجال برقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
۷. جعفری، محمد علی. فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ ش.
۸. حائری مازندرانی، محمد. منتهی المقال فی احوال الرجال. قم: موسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۶ ق.
۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. الحسینی الجلالی، سید محمدرضا. المنهج الرجالی و العمل الرائد فی الموسوعه الرجاليه لسید الطائفه آیت الله العظمی البروجردی. قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. حسینی جلالی، سید محمد حسین. فهرس المیراث. قم: انتشارات دلیل ما، ۱۴۲۲ ق.
۱۲. حلّی، حسن بن علی بن داود. رجال ابن داود. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
۱۳. خوئی، سید ابوالقاسم. معجم رجال الحديث. قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ ق.
۱۴. زرکلی، خیرالدین. الأعلام. بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ هشتم، ۱۹۸۹ میلادی.
۱۵. سبحانی، جعفر. موسوعه طبقات الفقهاء. قم: موسسه امام صادق، ۱۴۱۸ ق.
۱۶. صدوق، محمد بن علی. عیون اخبار الرضا علیه السلام. بیروت: موسسه اعلمی، ۱۴۰۴ ق.
۱۷. _____ . معانی الاخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۱۸. _____ . من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

۱۹. طریحی، فخرالدین. مجمع البحرين. تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۲۰. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن. الفهرست. نشر آل‌البیت.
۲۱. طوسی، محمدبن حسن. تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. _____ . رجال الشيخ. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۲۳. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. خلاصه الأقوال فی معرفة أحوال الرجال. قم: دارالذخائر، ۱۴۱۱ ق.
۲۴. علی احمدی، علیرضا. شناخت فرهنگ، فرهنگ سازمانی و مدیریت بر آن. تهران: تولید دانش، ۱۳۸۳ ش.
۲۵. کشی، ابو عمرو محمدبن عمر بن عبدالعزیز. رجال کشی. تصحیح: حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر در دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۲۶. کلینی، محمدبن یعقوب. کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۷. مامقانی، عبدالله. تلخیص مقیاس الهدایه. تلخیص و تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: نشر صدوق، ۱۳۶۹ ش.
۲۸. معین، محمد. فرهنگ معین. تهران: نشر بهزاد، ۱۳۸۶ ش.
۲۹. مولوی، جلال الدین. مثنوی معنوی.
۳۰. مهیار، رضا. فرهنگ ابجدی عربی.
۳۱. نجاشی، ابوالحسن احمد بن علی بن احمد. رجال النجاشی. قم: نشر مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۶ ق.